



چالش‌ها و راهکارهای دستیابی به صلح عادلانه در جهان امروز

سید محمد ساداتی نژاد^۱

سید علی ساداتی نژاد^۲

چکیده

تحولات و وقایع اخیر در عرصه روابط بین‌الملل به خوبی نشان می‌دهد که در سده حاضر «صلح و عدالت» بیشتر از هر چیز دیگری در معرض خطر، تهدید و نقض قرار دارد. این تحولات، از اقدامات نظامی یکجانبه، قتل عام و محاصره شهرها و هژمون‌طلبی برخی رژیم‌ها و دولت‌های استکباری در اقصاء نقاط جهان گرفته، تا فقر و گرسنگی‌ها و عدم توزیع عادلانه امکانات حیات انسانی میان ملت‌ها و نهایتاً فقدان حاکمیت عدالت بر روابط بین‌المللی، همه جوامع را با بحران روبرو نموده است. این در حالی است که عدم درک صحیح از چالش‌ها و عوامل تهدیدکننده صلح، پیامدهای دقیق این عوامل بر کم و کیف حیات بشری و همچنین وظایف و کارکردهای دولت‌ها و جامعه بین‌المللی در این رابطه، امکان واکنش به این مسائل را در نظام بین‌الملل ناممکن ساخته است. از اینرو شناسایی چالش‌های اساسی فراروی صلح و ارائه راهکارهای دستیابی به صلح عادلانه امری مهم است که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: صلح و عدالت، صلح عادلانه، چالش، راهکار

sadatinejad@yahoo.com
ali.sadatinejad@yahoo.com

^۱ پژوهشگر ارشد روابط بین‌الملل و مدیر عامل جمعیت ندای صلح
^۲ دبیر سیاسی روزنامه سراج و عضو هیات مدیره جمعیت ندای صلح



مقدمه

جهانی سرشار از صلح و عدالت، آرزوی بشر در همه دوران‌ها بوده و جهان امروز نیز بیشتر از همیشه، بدان محتاج است. گرچه در دیدگاه تاریخ و تاریخ‌نگاران این خواسته آرزویی ناممکن و دست‌نیافتنی است، آرزویی که در تمام دوران‌ها و جامعه‌ها، تحقق نیافته است، اما در نظر پیروان ادیان، صلح و عدالت واقعی برای بشر، در هر دوره تاریخی ممکن دانسته شده است، یعنی بشر خواهد توانست با پیروی از قواعد اخلاقی و اصول حکمت و خردورزی، سایه صلح و عدالت را بر سر خود ببیند. (خامنه‌ای ۱۳۸۴)

در قرون گذشته پادشاهان، دشمنان صلح و منکران عدالت بودند و بشریت را به کام مرگ و فقر و رنج می‌فرستادند، اما در قرن بیست و یکم، صلح و عدالت، موانع و دشمنان سازمان‌یافته و نوی یافته است. امروزه افکار عمومی جهان بیش از گذشته نسبت به این مطالبه و علل عدم تحقق آن حساس بوده و رویه‌های مختلف در این رابطه را به دقت بررسی و مورد ارزیابی و قضاوت قرار می‌دهد. تبعیض، فقر، بیماری، سلطه‌جویی‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، جنگ و کشتار افراد بی‌گناه به ویژه غیرنظامیان، اشاعه و انتشار هدفمند ویروس‌های بیماری‌زا و جنگ بیولوژیک از مهمترین تهدیدهایی است که حیات پایدار بشر امروزی را نشانه رفته و روز به روز بر ابعاد این تهدیدها افزوده می‌شود. (خبرگزاری ایرنا ۱۳۹۹)

سوال مهمی که ذهن عده بسیاری از ملت‌ها را به خود مشغول داشته این است که چرا با وجود خواست اغلب جهانیان و نیز تشکیل نهادها و سازمان‌های بین‌المللی گوناگون که برای تحقق صلح و ایجاد عدالت در جامعه جهانی برپا شده‌اند و تأکیدی که ادیان و مکاتب مختلف فکری در شرق و غرب عالم بر آن داشته‌اند، ولی تصویر جهان امروز این همه با صلح واقعی فاصله دارد؟ (خبرگزاری ایرنا ۱۳۹۹)



براساس گزارش سالانه شاخص صلح جهانی، وضعیت فعلی صلح جهانی نسبت به سال‌های گذشته وخیم‌تر و ناگوارتر شده است، ناامنی و جنگ‌ها و درگیری‌های دهه اخیر در جهان خصوصا ناامنی‌های خاورمیانه و آفریقا روز به روز بیشتر شده است. اوضاع فلسطین، حملات وحشیانه گروهک تروریستی داعش به سوریه، حمله آمریکا به افغانستان، تجاوز رژیم عربستان سعودی به یمن، درگیری‌های لیبی، نمونه‌هایی از خشونت‌گرایی و ناآرامی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است که تاکنون جان صدها هزار انسان‌های بی‌گناه از مردان، زنان و کودکان را ستانده و علاوه بر تلفات سنگین انسانی، ویرانی‌های بسیاری را بر جای گذاشته است. (سالار ۱۳۹۸)

تاکنون تئوری‌های زیادی در جهت ایجاد صلح و برقراری عدالت در عرصه مطالعاتی روابط بین‌الملل به وجود آمده است و در زمینه‌های عملی نیز سازمان‌های زیادی برای بسط صلح در عرصه جهانی تاسیس شده است. (ضیائی ۱۳۹۷: ۷۵) اما متأسفانه علیرغم تصویب اسناد بین‌المللی و فعالیت بسیاری از صلح‌طلبان همچنان شاهد افزایش جنگ و خشونت در سراسر جهان هستیم. از اینرو شاید بهتر باشد یکبار دیگر بر مفهوم صلح و راهکارهای رسیدن به آن تمرکز کنیم و برای تحقق صلح و عدالت در جهان تلاش کنیم. (رسولی ۱۳۹۴)

البته ارائه راهکارهای تحقق صلح و عدالت، مشروط به آسیب‌شناسی صلح و عدالت می‌باشد. عناصر و عوامل ظلم که منشا تنازع و درگیری افراد یا ملت‌ها و دولت‌ها هستند، موانع صلح و عدالت نیز به حساب می‌آیند و به آن آسیب وارد می‌سازند. در این مقاله، ابتدا به چالش‌های اساسی فراروی صلح می‌پردازیم و پس از آن، راهکارهای مورد نظر برای دستیابی به صلح عادلانه را ارائه خواهیم کرد.

صلح در لغت به معنای «آشتی، سازش» (عمید ۱۳۹۳، ج ۲: ۱۳۶۶) «سازش کردن، آشتی کردن» و «توافق» (معین ۱۳۷۷، ج ۲: ۲۱۶) آمده است. در لغت‌نامه دهخدا



نیز «آشتی»، «سلم» و «تراضی بین متنازعین» و «سازش» از معانی صلح دانسته شده است. (دهخدا ۱۳۷۷، ج ۹: ۱۳۲۴۹-۱۳۲۴۸) صلح رفع اختلاف، آشتی، پایان دادن به حالت جنگ و مسالمت است (انیس و همکاران ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۱۰۶) و همچنین در اصطلاح سیاست، صلح یعنی حالت آرامش و نبودن مخاصمات در سطح بین‌المللی یا منطقه‌ای. (نعمت‌اللهی ۱۳۷۹: ۹۲) مقصود از صلح، سازش، تسلیم یا استسلام نیست، بلکه به دنبال وجود روابط عادی، طبیعی و آرام میان ملت‌هاست. (برزنونی ۱۳۸۴: ۸۱-۸۲) صلح تا قبل از تاسیس ملل متحد در روابط بین‌المللی نیز همین مفهوم را داشت. (بیگزاده ۱۳۸۹: ۵۱۶) صرفاً فقدان جنگ به معنای برقراری و تداوم صلح نیست بلکه انجام هر عملی که در تعارض با عدالت باشد ممکن است سبب تهدید صلح و نقض آن شود. این دیدگاه پس از پایان جنگ سرد قوام یافت. اما امروزه سخن از صلح و راهکارهای رسیدن به آن در مجامع علمی و سیاسی بیش از گذشته شده است. به طور کلی بحث‌های موجود درباره صلح اغلب آرمان‌گرایانه و ارزش‌گذارانه بوده‌اند و به تحلیل تجربی گرایش داشته‌اند. (بشیریه ۱۳۸۲)

در تعریف عدالت می‌توان اینگونه بیان کرد که عدالت جز اولین پایه‌های عمومی حقوق بشر است. (شوهانی و مایلی ۱۳۹۷: ۲۱-۱۵) درباره عدالت، معانی و پیوند آن با صلح و نیز اقسام عدالت و منشا و راه تحقق هر یک، سخنان بسیار گفته و نوشته‌اند. در این زمینه نیز، صاحب‌نظران و دانشمندان از مکتب‌های گوناگون در گذشته و حال، تعریف‌ها و برداشت‌های گوناگونی را ارائه داده‌اند. تعریف‌هایی که از سوی آنان از عدالت شده، بیشتر تعریف به مصداق است. عالمان اخلاق، با توجه به مسائل اخلاقی، فقیهان با توجه به فقه، فیلسوفان و متکلمان و سیاستمداران هر کدام با توجه به دانش‌های مورد نظر خود، تعریفی را ارائه کرده‌اند. (مزینانی ۱۳۹۹)

اغلب حقوق‌دانان برجسته دنیا، در طول تاریخ برای تعریف عدالت، همواره جانب احتیاط را رعایت کرده و اغلب از ارائه تعریف جامع خودداری کرده‌اند، بلکه مفاهیمی



را به کار برده‌اند که از ابتدای تاریخ بشریت تاکنون همیشه و در همه قرون و اعصار حائز اهمیت بوده‌اند و در چارچوب تعریف حتی چند خطی نمی‌گنجند. (نوع‌پرست ۱۳۸۸: ۷)

هانس کلسن (۱۸۸۱-۱۹۷۳) حقوقدان اروپایی- آمریکایی، کتاب «عدالت چیست؟» خویش را اینگونه آغاز می‌کند در دنیای امروز (جهانی شده)، تعریف عدالت کار دشوارتری است، به طوری که جان رالز (۱۹۲۱-۲۰۰۲) نظریه‌پرداز برجسته حقوق، در کتاب خود تحت عنوان «تئوری عدالت» عدالت را در هر کشوری یا جامعه‌ای با توجه به خصوصیات آن و به طور جداگانه قابل مطالعه می‌داند. در عین حال حقوقدانانی مانند توماس پوگی (۱۹۵۳)، بر این اعتقادند که عدالت را باید در کل جامعه بشری جستجو نمود. وی با اعتقاد راسخ به امکان تحقق عدالت جهانی موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهد. (صیقلانی و همکاران ۱۳۹۷: ۷۳)

صلح و عدالت در نظام بین‌الملل

همانطور که می‌دانیم صلح به عنوان یکی از بنیادی‌ترین نیازهای بشر در طول تاریخ، همواره در کانون توجه روابط بین‌الملل بوده است. در رابطه با مفهوم صلح تعاریف گوناگونی ارائه شده است. در غرب، مفهوم صلح، بیشتر با تاکید بر نبود خشونت معنا شده (صلح منفی) در حالی که در شرق، بر حضور برخی شرایط جهت تحقق صلح تاکید شده است (صلح مثبت). درک جهانی از صلح مستلزم تجمیع این دو برداشت از صلح خواهد بود. صلح مثبت در یک تعریف ساده، عبارت است از احترام به حقوق ذاتی بشر و عزت انسان‌ها و عدالت و پرهیز از خشونت اعم از خشونت ساختاری یا خشونت مستقیم در روابط بین‌الملل که علاوه بر جنگ و نزاع شامل بی‌عدالتی، فقر، توسعه‌نیافتگی، آسیب به محیط زیست و تحقیر انسان‌ها و



... می‌شود. این در حالی است که در علم واقعیت در روابط بین‌الملل امروز، بیشتر مفهوم منفی صلح مورد توجه قرار گرفته است. (ابراهیمی و همکاران ۱۳۸۹: ۷)

صلح، را باید به عنوان یک حق فردی و جمعی بشری و نقطه سرآغاز حقوق بشر در نظر گرفت، زیرا زمانی می‌توان از تحقق حقوق بشر سخن گفت که قبلاً بستر آن در قالب صلح فراهم شده باشد. تامین حق آزادی، برابری و برادری و سایر حقوق بشر هنگامی میسر است که جهان عاری از خشونت، تنش، فقر، استبداد، بی‌عدالتی، تحقیر و خشونت باشد. بنابراین صلح فقط منع کاربرد زور نیست. صلح همچنین متضمن ارتقای شرایط عدالت اجتماعی، تحقق حق توسعه، دستیابی به ضرورت‌های زندگی از جمله آب سالم و محیط زیست سالم می‌باشد. نگاهی اجمالی به اسناد حقوق بشری نشانگر آن است که همه آنها از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی و سیاسی و سایر اسناد حقوق بشری به نوعی به مفهوم صلح و حق صلح به عنوان یک حق انسانی و بشری اشاره کرده‌اند. صلح هدف غایی حقوق بشر می‌باشد و زمانی می‌توان از صلح پایدار سخن گفت که کلیه زمینه‌های بروز نقض صلح، قبلاً از بین رفته باشد. (عسگری و خسروی ۱۳۹۵: ۲۴۱-۲۴۰)

حق بر صلح، جامع‌ترین حق بشری است چرا که برای تحقق آن می‌بایست پیش‌شرط‌های گوناگونی فراهم شود، همچون حقوق مدنی و سیاسی (آزادی‌ها)، حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، حقوق برابری و ... بدیهی است تا زمانی که کلیه این پیش‌شرط‌ها که به نوعی در بندهای دوم و سوم ماده اول منشور سازمان ملل به آن اشاره شده است، محقق نشود، صلح ایجاد نخواهد شد و اگر هم ایجاد شود، صلحی گذرا است. از سوی دیگر حق بر صلح خود پیش‌شرط بسیاری دیگر از حقوق بشر است، بدین لحاظ که تحقق موارد بسیاری از مصادیق حقوق بشر نیازمند بستری از جنس صلح و آرامش است و زندگی بدون جنگ، پیش‌شرط بین‌المللی اولیه برای رفاه مادی و توسعه و پیشرفت کشورها و اجرای کامل حقوق و آزادی‌های



اساسی اعلام شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور ملل متحد و سایر اسناد حقوق بشری به شمار می‌رود. (عباسی ۱۳۹۷)

صلح و عدالت دو مفهومی هستند که در بسیاری از تعاریف در کنار هم قرار می‌گیرند. از اینرو ترویج ارزش‌های عدالت‌گرایانه چه در سطح جامعه و چه در سطح بین‌المللی مقدمه‌ای است برای گسترش صلح در جهان. مقوله صلح را نمی‌توان از ارزش‌های انسانی همچون عدالت، توسعه و امنیت جدا دانست، لذا صلح عادلانه جهانی بدون وجود ارزش‌های مذکور تحقق نخواهد یافت. در جامعه‌ای که عدالت نباشد نمی‌توان انتظار تحقق صلح را داشت. صلح، عدالت، توسعه و امنیت عناصر لازم و ملزوم همدیگر هستند و بدون شک صلح پایدار بدون این عناصر، قابلیت تحقق نخواهد داشت. از اینرو گفتمان عدالت تنها پارادیمی است که می‌توان در قالب آن رفتارهای قدرت‌های بزرگ در غرب را به چالش کشید. (صادقی ۱۳۸۸: ۲۹۲)

می‌توان گفت در حال حاضر، عدالت فدای صلح شده و این صلح است که به عنوان هدف اساسی دنبال می‌شود. حال آنکه صلحی که در پی آن عدالتی نباشد پایدار نخواهد ماند. شاید یکی از دلایل اصلی پایدار نبودن صلح در کشورهای دنیا، توجه نکردن به صلحی است که می‌تواند ناشی از عدالت باشد و نیز توجه نکردن به اینکه بدون تحقق عدالت نمی‌توان انتظار صلح پایدار را داشت و تلاش به منظور دستیابی به صلح باید قبل از هر چیز عدالت را به ارمغان بیاورد. (عباسی ۱۳۹۷)

نگرش‌های موجود درباره مناسبات صلح و عدالت را می‌توان به دو دسته نگرش سکولار و نگرش مذهبی تقسیم نمود. در نگرش سکولار، صلح به معنای نبود و توقف جنگ بوده و با عدالت چندان مناسبتی ندارد. دیدگاه‌های سکولار را می‌توان به صورت پیوستاری تصور نمود که آرمان‌گرایی در یکسو و واقع‌گرایی در سوی دیگر قرار دارد. هر دو نگرش مزبور که از جهان‌بینی مادی‌گرا نشأت می‌گیرند، صلح را در جهت



منافع قدرت‌های بزرگ معنا می‌کنند. هیچ یک از آنها عدالت را در صلح دخالت نمی‌دهند و همین امر، یعنی عدم توجه به مبادی و علل بروز جنگ و ناامنی و عوامل مغل صلح که بی‌عدالتی و ظلم است باعث شده صلح حقیقی و پایدار در جهان محقق نگردد. در نگرش مذهبی بر خلاف نگرش سکولار، صلح بدون عدالت معنا نمی‌یابد. این نگرش در مقابل طیفی از دیدگاه‌های سکولار قرار می‌گیرد. روش شناخت در این دیدگاه براساس سه عنصر عقل، شرع و حس استوار است. در این بینش، انسان موجودی بالقوه خیرخواه، خداخواه، کمالجو و هدفدار است که می‌تواند یکی از دو صفت سعادت یا شقاوت را که ناشی از مختار بودن اوست داشته باشد. خط و مشی کلی صاحبان این نگرش که انبیای الهی هستند، هدایت انسان‌ها و به کمال رساندن آنهاست. (جوادی ارجمند و حقگو ۱۳۹۰: ۹۴)

چالش‌های اساسی فراوری صلح جهانی

در نظام سنتی بین‌المللی به دلیل برداشت محدود و مضیق از مفهوم امنیت، شاخص‌های نقض صلح و عدالت بین‌المللی یا تهدیدآمیز بودن آنها نیز محدود بود و تهاجم نظامی با استفاده از سلاح‌های سنگین و تجهیزات و جنگ‌افزارهای گسترده به عنوان بارزترین شاخص‌های نقض صلح و عدالت بین‌المللی مطرح می‌شدند. اما از سال ۱۹۹۱ به بعد به دلیل برداشت عمیق‌تر از مفهوم صلح و عدالت بین‌المللی، شاخص‌های تهدید علیه صلح و عدالت بین‌المللی، نقض آنها و تجاوز متنوع‌تر و گسترده‌تر شد. با این توصیفات در زیر به مواردی که به عنوان شاخص‌های عمده تهدید علیه صلح و عدالت بین‌المللی به حساب می‌آید، اشاره شده است.



مدیریت جهانی ناعادلانه

ناعادلانه بودن مدیریت حاکم بر روابط بین‌المللی، اجزای این سیستم را در وضعیتی بحرانی، چالش برانگیز و ناامن قرار داده است. مادامی که برابری دولت‌ها نادیده گرفته می‌شود و عده‌ای محدود از دولت‌ها به عنوان هیأت رئیسه جهان عمل می‌نمایند، دنیا در وضعیت ناآرام و آشوب کنونی باقی خواهد ماند. با در نظر گرفتن جنگ‌طلبی‌های ابرقدرت‌ها و برخوردهای سلیقه‌ای با خشونت و نمادهای آن، برای عموم و اتحاد جامعه بشری شکی باقی مانده که صلح در عمل، نه برای همگان، بلکه تنها برای برخی‌ها تعقیب و دنبال می‌شود.

در چنین افقی، عدالت با حفظ ساختار ناعادلانه بین‌المللی موجود (و همچنین ساختار ناعادلانه موجود در درون دولت‌ها و ملت‌ها) قابل تحقق نیست. چگونه می‌توان صلح را با عدالت همگام ساخت بدون اینکه سازمان حاکم بر روابط بین‌المللی کنونی، به صورت مناسب دگرگونی یابد؟ (سامانی ۱۳۹۷: ۷۹)

توسعه‌نیافتگی نظام حقوقی جهانی

عملکرد نهادهای بین‌المللی به ویژه بعد از ۱۹۴۵ که صلح صراحتاً به عنوان مأموریت و غایت سازمان ملل متحد (هسته جامعه دولت‌ها) شناخته شده، ثابت نموده که صلح موردنظر دولت‌ها الزاماً با صلح موردنظر ملت‌ها و انسان‌ها تطابق ندارد. برخی از هنجارهای حقوقی که به نام «هنجارهای جهانی» یاد می‌شوند، اساساً ماهیت جهانی ندارند بلکه تنها برآمده از یک نظام فرهنگی یا قطب سیاسی هستند که از طریق نهادهای بین‌المللی تلاش می‌شود روند جهانی‌سازی را طی نمایند. (ساعی ۱۳۹۳)

جهانی‌سازی ارزش‌ها و فرهنگ غرب، امری دامنه‌دار است. در روند جهانی‌سازی، فرهنگ و هنجارهای پایه و معیار، به صورت یکجانبه و انتخابی برگزیده شده و فرهنگ



و تمدن مشرق زمین به مثابه «موضوع» و «مخاطب» مدنظر قرار گرفته که باید خود را در این فرایند، با فرهنگ پایه تطبیق دهد. هرچند اشتراکات فرهنگی در زمینه صلح چندان هم کم و نادر نیست اما مبانی صلح در فرهنگ ما با غرب تفاوت بنیادین دارد. فرهنگ ما، بر اساس آموزه‌های ملی و دینی، صلح را در «تثبیت وضع موجود، آرام‌سازی و اکتفا به اقدامات سطحی» تعریف نمی‌کند. صلح تنها به نبود جنگ نیست. بلکه صلح، نهادی است که برپایه ارزش‌های بنیادین فرهنگی و اجتماعی بنا می‌شود، صلح بدون عدالت، بی‌معنا است، صلح در شرایط فقر، نابرابری، بیماری، بیسوادی، عدم همدردی و نوع‌دوستی، خشونت، تبعیض، سلطه خارجی، تحقیر و ... تحقق‌پذیر نیست. (ساعی ۱۳۹۳)

جهانی‌سازی که با تحریم، تحمیل و فشار همراه باشد، موانع صلح و عدالت در جهان را تشدید می‌نماید. از این‌روست که توسعه‌نیافتگی نظامی جهانی از هنجارهای حقوقی (که بر پایه اشتراکات فرهنگی، تمدنی و ادیانی استوار باشند) از جمله آسیب‌های صلح و عدالت در دوران معاصر به شمار می‌رود. (ساعی ۱۳۹۳)

تغییر و انحراف در رسالت سازمان ملل متحد

منشور سازمان ملل متحد با «تلاش برای جلوگیری از تکرار بلای جنگ جهانی که دو بار در طول قرن گذشته، بشریت را در بر گرفته» آغاز می‌شود و نخستین هدف آن نیز حفظ صلح عنوان شده است و همچنین فصل هفتم آن که اختصاص به «مقابله با تهدید علیه صلح، نقض صلح و عمل تجاوز» دارد. اما در عمل، صلح و عدالت در مقیاس جهانی و بر اساس ایده‌ها و آموزه‌ها و فرهنگ‌های ملل جهان طرح‌ریزی، تعریف و پیگیری نشده است. این سازمان در برخی از موارد که تسلیم نفوذ فرهنگی و سیاسی قطبی از قدرت در جهان شده است، اندیشه صلح جهانی را به



«آرام‌سازی فضای کنونی و حفظ وضع موجود» و ناعادلانه حاکم بر جهان و استمرار امتیازات و حقوق ویژه و انحصاری قدرت‌ها در ساختار جهانی تفسیر نموده و تغییر جهت داده است.

آیا با چنین اندیشه‌ای می‌توان سازمان ملل متحد را که اعضای آن با دستاویز صلح و امنیت بین‌المللی، از جایگاه برابری برخوردار نبوده، ناظم و حافظ این صلح پنداشت؟ اگر هدف راستین ملل متحد صلح جهانی برای نوع بشر است، تفاوت نقش‌آفرینی بازیگران آن و «حق وتو» چه معنایی خواهد داشت؟ حق وتو چه مزیتی برای برقراری صلح جهانی و حفظ آن دارد و صاحبان آن از چه مزیتی برخوردارند که مستحق آنند و سایرین محروم از آن؟

در این گردونه، مدیریت اصلی و اجرایی سازمان ملل در دست شورای امنیت یعنی قدرت‌ها بوده و مجمع عمومی که متشکل از نمایندگان همه ملل جهان است، نقشی درجه دو دارد. (مجمع جهانی صلح ۱۳۹۷)

سازمان‌های ناکافی و ناکارآمد ناظر بر حفظ صلح و عدالت

تصویب منشور ملل متحد در شرایط جنگ جهانی دوم، به مثابه گریزی از نابودی و درپچه‌ای به روی حیات به نظر می‌رسید. اما از همان نخستین روزهای فعالیت سازمان ملل متحد، مشکلات و ایرادهای این منشور و تفاوت آن با خواسته‌ها و انتظارات بشریت (در عین قوت‌ها و نکات مثبتش نسبت به میثاق جامعه ملل) روشن شد. یکی از آنها، مفهوم ناروشن و ترکیب شگفت‌انگیز «صلح» و «امنیت» بین‌المللی در قالبی بود که اصلی‌ترین هدف این سازمان را تشکیل می‌داد. صلح تعریف نشد، رابطه آن با امنیت نیز روشن نگردید، صلح و امنیت به صورت موردی و در اقتدار شورای امنیت قرار گرفت، حق وتو بر اعمال فصل هفتم منشور سایه



افکند و قدرت‌های شرق و غرب در جنگی سرد، آن را صحنه تقابل و تخریب اهداف و کارکردهای ملل متحد قرار داند، هیچکس نتوانست و هنوز هم نمی‌تواند منظور از صلح در این سازمان جهانی را تعریف کند، هر رکنی از ارکان این سازمان و هر آژانسی از خانواده آن (یونسکو، بهداشت جهانی، یونیدو، و ...)، افقی خاص را برای فعالیت خود برگزیده است.

این است که رهیافت منشور ملل متحد، رهیافتی غیرعمومی، ناروشن، بی‌ثبات، فاقد افق، فاقد مرکز ثقل و فاقد معنای بشری است. اگر این سازمان ظرف این مدت فعالیت خود نتوانسته توفیقی در صلح جهانی داشته باشد و عمدتاً درصدد آرام‌سازی فضاها گسست در ساختار و بافت نظام بین‌المللی بوده است، اغلب به همین معضل مربوط می‌شود. (مجمع جهانی صلح ۱۳۹۷)

نبود فرهنگ صلح و عدالت

نظام مدیریت صلح در جهان، هیچگاه احترام به فرهنگ‌ها و ادیان را درک نکرده است و این علتی اساسی برای وضعیت دوران معاصر است. امروزه صلح کالایی است که بازیگران قدرتمند از تشکیل کنگره وین ۱۸۱۵ به بعد، به صورت نظام‌مند صلح را به مجرای برای به اسارت درآوردن هویت‌ها و فرهنگ‌های دیگر ملت‌ها بکار بسته‌اند، معاهده و پیمان نوشته‌اند، به تقسیم جهان و حوزه‌های نفوذ خود پرداخته‌اند و بعد از تشکیل سازمان ملل متحد نیز ساختارهای بین‌المللی را بر همین تفکرهای صلح برگرفته از فرهنگ غرب پایه‌ریزی کرده‌اند و اغلب نیز برخی حمایت‌های مردمی را به صورت موقت جلب نموده‌اند. آنها ظرفیت‌های فرهنگی صلح و حمایت مردم از گفتمان صلح را مورد سوءاستفاده قرار داده‌اند. اساسی‌ترین آسیب‌های فرهنگ صلح را نه در درون اذهان و احساسات افراد و گروه‌ها، بلکه



بیشتر از همه، باید در ساختار و بافت نظامی جستجو کرد که امروزه رسماً و قانوناً پیگیر صلح جهانی و فرهنگ صلح است. (سامانی ۱۳۹۷: ۷۹-۸۰)

گسترش پدیده‌های ناقض صلح

علاوه بر موارد فوق، رویدادها و فرایندهایی در دنیای معاصر وجود دارند که صلح و عدالت را نشانه رفته‌اند، تروریسم، جنگ و درگیری، فقر و بیماری، بی‌ثباتی اقتصادی و مالی و همچنین آپارتاید علمی که نشأت گرفته از همان مدیریت سلطه‌گونه بر این عرصه در جهان هستند، از جمله این موارد هستند.

پدیده‌های ضد صلح نظیر تروریسم، جنگ و درگیری، فقر و بیماری، سلطه اقتصادی و مالی و همچنین ساختارهای غیرمایل یا قاصر از تأمین صلح و امنیت بین‌المللی، وضعیت صلح جهانی را بغرنج کرده‌اند. در این میان، به نظر می‌رسد که آپارتاید علمی و فناوری برای مجموعه دولت‌های به اصطلاح جنوب نیز در همین عرصه جای می‌گیرد. به واقع، یکی از مهمترین ابعاد عدالت در جهان امروز، عدالت علمی است که نه تنها با محدودیت و آسیب ساختاری روبروست بلکه مظاهر نوینی از آپارتاید علمی و فناوری نیز در حال ظهور و پیدایش است. عدالت علمی متضمن خودداری از ایجاد محدودیت و مانع برای توسعه دانش و علوم بشری از یکسو و لزوم التزام عملی بازیگران و نهادهای بین‌المللی به توسعه و تسهیل همکاری‌های علمی و فناوری است که در پرتو آن، ضمن قرار گرفتن علم و فناوری در خدمت بشریت، دستیابی به لوازم تعالی و کمال انسانی میسر گردد. (سامانی ۱۳۹۷: ۸۰)

غرب با سلطه بر عرصه‌های علمی و فناوری و ایجاد باشگاه‌ها و کلوب‌ها در این خصوص، انتقال و تبادل آزادانه علم و فناوری در جهان را مانع شده است و توسعه دیگر کشورها را با مشکل روبرو نموده است. محدودیت و تحریم علمی و فناوری، از



جمله اقدامات این کشورها و علیه صلح و عدالت در جهان است که جایگاه ویژه آن در میان آسیب‌های صلح و عدالت در دوران معاصر را باید مورد توجه قرار داد. این محدودیت‌ها علیه کشورها و ملت‌هایی اعمال شده که غرب قادر نبوده آنها را تحت سلطه خود قرار داده و مدیریت جهانی خود را بر آنها اعمال نماید. (ساعی ۱۳۹۳)

عدم رعایت حق کرامت انسانی و حق بهره‌مندی از صلح عادلانه

با توجه به مفهوم کرامت انسانی و جایگاه ویژه این مخلوق الهی در هستی، روشن است که همه انسان‌ها از حق بهره‌مندی از صلح و عدالت برخوردارند و باید باشند. حق بر صلح و عدالت، اساسی‌ترین حق انسان‌ها و نوع بشر است و تروریسم، جنگ، تحریم، تبعیض، آپارتاید، تهدید و تحقیر، ناقض این حق اساسی خواهند بود. حق بر صلح اساساً در چنین محیطی از روابط بین انسان‌ها معنا و مفهومی می‌یابد. حق بر صلح، استقرار و حفظ وضعیتی عاری از خشونت برای آحاد جامعه را لازمه شکوفایی استعدادها و تکامل اجتماع می‌شمارد که تنها در چنین بستری آرمان‌ها و انتظارات معقول بشر امکان تعقیب می‌یابد. حق بر صلح که هم در حقوق جهانی نسل‌های اول و دوم بشری نهفته است و هم محور نسل سوم را تشکیل می‌دهد، گستره صلح‌جویی و صلح‌طلبی را در مناسبات «بین» انسان‌ها و «برای» انسان‌ها قرار داده است، صلح را بستر حیات اجتماعی پایدار بشر معرفی می‌کند و «دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی» را «مخاطب» تعهدات دائر بر رعایت این حق و تکاپوی زمینه‌های تحقق آن قرار می‌دهد. بر این اساس، انسان‌ها صاحبان اصلی این حق تلقی می‌شوند و دولت‌ها و حکومت‌ها در برابر این حق، متعهد به اتخاذ اقداماتی ایجابی و سلبی می‌گردند که تحقق و استیفای این حق بدان‌ها نیازمند است.



با این حال، متأسفانه نظام حقوقی بین‌المللی تاکنون نتوانسته این حق اساسی را تنظیم، قاعده‌مند و تضمین نماید. این در حالی است که آموزه‌های حقوقی ادیان الهی، این حق را برای انسان‌ها مسلم می‌شمارند. البته این حق، توأم با تکلیف و تعهد انسان‌ها به رعایت و احترام متقابل است که حق و تکلیف را با همدیگر ادغام و امتزاج می‌نماید. صلح جهانی، برای همه ما انسان‌هایی که متوجه نوع‌دوستی هستیم، مثمر‌تر است. پس برای تحقق چنین صلحی، همه با هم باید اقدام کنیم. در این روند، تعهد و مسئولیت جمعی انسانی است که صلح را عینیت خواهد بخشید. (ساعی ۱۳۹۳)

وجود قدرت‌های استکباری و عملکرد آنها

پر واضح است که جوامع انسانی در هر نقطه‌ای از جهان، به دلایلی همچون افزایش آگاهی و نیز افزایش ارتباطات و تعاملات فرهنگی و اقتصادی، دیگر به هر نوع رابطه‌ای با دولت‌های قدرتمند تن نداده و حاضر نیستند منافع ملی خود را فدای منافع گروهی و قدرت‌های استعماری کنند. این قدرت‌ها که روزی تمامی امور کشورهای مستعمره و تحت سلطه خود را در دست داشتند و به دلیل نیاز اقتصادی و همچنین به دلیل تسلط داشتن بر اریکه قدرت و هژمونی در سیستم بین‌المللی، همواره سعی کرده‌اند این کشورها با نوعی ناآرامی و تنش دست و پنجه نرم کنند. نمونه‌های فراوانی از این دخالت در کشورهای مختلف را می‌توان از ایجاد فرقه‌ها و عرفان‌های کاذب مذهبی، تحریک قومیت‌ها، حمایت‌های یکجانبه از گروه‌های مختلف تا اقدام نظامی به بهانه حمایت از حقوق شهروندی و حقوق بشر را نام برد. حمایت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از مخالفان دولت سوریه و پشتیبانی نظامی و مالی آنها، همچنین حمله غیرقانونی و برخلاف موازین سازمان ملل که به



بهانه حمایت از رئیس جمهور یمن به این کشور صورت گرفت را می‌توان از جمله بارزترین موارد در چند سال اخیر نام برد.

راهکارهای تحقق صلح عادلانه در سطح جهانی

نقش سازمان‌های بین‌المللی

امروزه در چارچوب قوانین بین‌المللی سازمان ملل، همه کشورها تابع قوانین مقررات آن هستند و از منافع آن بهره می‌برند. تامین صلح و همکاری تمامی کشورها ملزم بر این است که در چارچوب حقوقی سازمان ملل عمل نمایند و در تقویت صلح عادلانه همکاری کنند.

امروزه زندگی بین‌المللی بدون سازمان‌های بین‌المللی قابل تصور نیست، یعنی هیچ دولتی را بلااستثنا نمی‌توان پیدا کرد که عضو یک یا چند سازمان نباشد و این بیشتر از پیش اهمیت برقراری رابطه و همکاری به منظور رسیدن به یک اجماع نظر و اتفاق نظر بین دولت‌ها را نشان می‌دهد. نقش نهادهای ملی و بین‌المللی در جهت تامین و حفظ صلح عادلانه و همکاری با سازمان ملل مهم و ضروری است. (امینی‌نیا ۱۳۸۹: ۱۷۴)

صلح عادلانه جهانی در سایه همکاری

صلح عادلانه و همکاری جهانی یکی از اهداف اساسی در صحنه بین‌المللی و حالت طبیعی بدون جنگ است، حالتی که در آن همزیستی مسالمت‌آمیز رواج دارد و جزء ارزشمندترین و اصولی‌ترین نیازهای بشری است. مراد از صلح، سازش، تسلیم یا استسلام نیست، بلکه منظور، وجود روابط عادی، طبیعی و آرام بین کشورهاست، بدون آنکه زمینه‌ای برای تهدید یا ترس به زور و برخورد مسلحانه فراهم آید. به



عبارت دیگر، می‌توان آن را همزیستی مسالمت‌آمیز، شرافتمندانه و دوستانه تعریف کرد که براساس آن کشورها به پذیرش موجودیت یکدیگر و رعایت صمیمانه حقوق متقابل، به تعهدات و مسئولیت‌های خود در قبال دیگر کشورها پایبند باشند. همکاری تمامی کشورها برای برقراری صلح و عدالت ضروری است. (مقتدر ۱۳۸۴: ۴۸)

صلح عادلانه جهانی در سایه برقراری عدالت

امکان رسیدن به صلح واقعی و پایدار، بدون توجه به عدالت میسر نمی‌شود به عبارت دیگر اجرای صلح پایدار نیازمند اجرای عدالت است. در غیر آن ممکن است برای مدتی صلح برقرار شود، اما قطعاً شکننده خواهد بود. بنابراین باید افکار عمومی در جهان، صلح و عدالت را به عنوان یک نسخه نجات‌بخش از رهبران و روسای کشورهای جهان و سازمان‌های جهانی به صورت جدی مطالبه نمایند. (محمدی دروازیان ۱۳۹۸)

تحقق صلح عادلانه در عرصه داخلی و بین‌المللی را باید در تحقق عدالت جستجو کرد. در این دیدگاه، حق بر صلح، حقی وضعی و عارضی بوده، نمی‌توان آنرا ذاتی تلقی کرد، اما عدالت، امری ذاتی است. به همین دلیل، صلح پایدار و جهانی بر عدالت بنا می‌شود. واقعیت جامعه بین‌المللی نشان می‌دهد تا زمانی که عدالت در سطح بین‌المللی پیاده نشود و الگوهای آن در قالب یک فرهنگ ارزنده به سطح بین‌المللی انتقال نیابند، صلح پایدار آرمانی خام بیش نخواهد بود. (آشوری ۱۳۸۱: ۴۸)

دیپلماسی مبتنی بر صلح عادلانه

امروزه دولت‌ها، سازمان‌ها و نهادهایی که جامعه بین‌المللی را می‌سازند، دارای روابط و مناسبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی هستند که بیانگر روابط متقابل آنهاست،



آن گونه که این روابط می‌تواند به صورت‌های روابط دوستانه (همکاری)، رقابت و تعارض‌آمیز (ستیز یا مناقشه) باشد. مهمترین کاربرد دیپلماسی در حال حاضر کاهش تنش در بین کشورهاست. همه کشورها می‌توانند با مناظره‌ها و نشست‌هایی که برگزار می‌کنند، با دعوت از نمایندگان رسمی از سایر کشورها تلاش کنند تا به یک اتحاد واحد در مقابل تنش‌ها دست یابند. هر کشوری باید با نوع دیپلماسی صلح دوستانه خود برای رسیدن به صلح و عدالت جهانی پایدار تلاش کند. (صیقلانی و همکاران ۱۳۹۷: ۸۳)

ایجاد فرهنگ صلح عادلانه

براساس تعریف سازمان ملل متحد فرهنگ صلح عبارت از مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها، رفتارها و روش‌های زندگی است که خشونت را نفی می‌کند و از منازعه پیشگیری می‌کند و می‌کوشد ریشه‌های درگیری را شناسایی کند و از طریق گفت‌وگو بین افراد، گروه‌ها و ملت‌ها آنها را حل کند. (سجادی ۱۳۹۹)

دانشمندان فن حل صلح‌آمیز منازعات به خاطر بوجود آمدن صلح عادلانه و دیرپا به این باورند که قبل از همه باید «فرهنگ صلح عادلانه» ایجاد گردد. فرهنگ صلح عادلانه به معنای احترام به کرامت انسانی، رعایت حقوق بشر، عدالت، پابندی به آزادی مشروع انسان‌ها، جلوگیری از نفرت، خشونت، جنگ و حل منازعات از طریق شیوه‌های مبتنی بر عدم خشونت مانند آشتی، مذاکره، میانجی‌گری و مصالحه می‌باشد. (راهی ۱۳۸۹)

در فرهنگ صلح عادلانه تلاش می‌شود تا از هر راه ممکن زمینه زیست باهمی مبتنی بر عدالت، احترام متقابل و یکدیگرپذیری را فراهم سازد و از هرگونه برخورد خشونت‌آمیز جلوگیری صورت گیرد. اما آیا در عرصه نظام بین‌الملل در این زمینه



چه اندازه تلاش صورت گرفته است؟ (آریا ۱۳۹۵)

بدون ترویج فرهنگ صلح عادلانه اگر صلح هم بوجود آید پایدار نخواهد بود، چراکه فرهنگ خشونت در این جامعه به گونه قوی ریشه دوانده است. بنابراین، سازمان‌های بین‌الملل و دولت‌ها باید نخست فرهنگ صلح عادلانه را ترویج کنند و از هرگونه تلاشی که این روند را خدشه‌دار می‌کند جلوگیری کند. (آریا ۱۳۹۵)

ایجاد مراکز مطالعات صلح عادلانه در دانشگاه‌ها

ایجاد مراکز مطالعات صلح عادلانه در دانشگاه‌ها و تقویت تشریک مساعی و هماهنگی بین این مراکز از طریق ایجاد یک شبکه به منظور تبادل افکار بین این مراکز، ارائه سمینارهای علمی در این مراکز برای علمای دین، متنفذان و جوانان تمام کشورها می‌تواند در تحکیم صلح و ثبات دائمی اثربخش باشد، از این طریق می‌توان گفتمان صلح عادلانه را در میان طیف‌های مختلف نهادینه کرد که برای صلح پایدار جهان ثمربخش خواهد بود. (بهشتی ۲۰۱۹)

تضمین بهره‌مندی برابر و عادلانه همه گروه‌های مختلف قومی، زبانی، نژادی و غیره از حقوق

هیچ صلحی پایدار نیست، مگر این که کثرت‌گرایی اجتماعی، به رسمیت شناخته شود. باید چندگانگی فرهنگی، نژادی و مذهبی به عنوان یک واقعیت عینی پذیرفته شود، نباید انسان‌ها به جهت چنین تعلقات مورد بی‌عدالتی قرار گیرند. اقلیت‌های که به دلیل تعلقات قومی و مذهبی در زمان جنگ مورد تجاوز، کشتار جمعی و نسل‌کشی، واقع شده‌اند، یا مورد تبعیض قرار گرفتند، اگر به صورت مناسب و شایسته به رسمیت شناخته نشوند، امکان دستیابی به صلح عادلانه دشوار خواهد بود. چون یکی از محرک‌های اصلی جنگ تعارضات قومی، مذهبی و زبانی است. (محمدی دروزیان ۱۳۹۸)



مبارزه با افراط‌گرایی

مبارزه با افراط‌گرایی را می‌توان با تقویه نظام معارف و تحصیلات عالی از درون مکاتب و دانشگاه‌های جهان آغاز کرد و این روند را به عنوان برنامه جامع و علمی به صورت متداوم باید ادامه داد، تا افراط‌گرایی را به زانو درآوریم و جامعه عاری از افراط و هرگونه تعصب را شاهد باشیم، بر این اساس، نسل‌های آینده ما از افراط‌گرایی و افکار متحجرانه که مانع صلح و ثبات شوند، بدور می‌مانند. برای رسیدن به صلح پایدار، باید بستر صلح در این جهان را فراهم کرد و از پیامدهای مثبت و بارزش صلح‌پروری، دولت‌ها و ملت‌ها را آگاه ساخت. (بهشتی ۲۰۱۹)

مبارزه با تروریسم و خشونت‌گرایی

تروریسم و خشونت‌گرایی، تهدیدی مورد اهتمام برای صلح جهانی به شمار می‌آید، تهدیدی که دارای مبانی عمیق و مصادیق گسترده بوده که به طور روزافزون نیز بر دامنه و پیچیدگی آن افزوده می‌شود. تروریسم، دارای علل متعدد است و اصلی‌ترین علت را می‌توان بی‌عدالتی در جهان دانست. در فضای بسته بین‌المللی که مدیریت امور جهانی را برخی قدرت‌ها در انحصار گرفته و حقوق دیگر ملت‌ها را پایمال می‌کنند، ارباب و ترساندن مردم به منزله ابزاری برای تضمین این بی‌عدالتی‌ها رخ می‌نمایاند. (کوشا و همامیان، ۱۳۸۷: ۳۶۱-۳۶۰)

جهان باید از این تجارب تلخ مدیریت‌های ناهماهنگ و ابزاری درس بگیرد. این درس گرفتن، در حوزه مقابله با تروریسم، بیش از پیش شایسته تامل است، از این‌رو، مقابله با تروریسم، در پرتو اقدام همه‌جانبه و دوراندیشانه ممکن خواهد شد تا در سایه آن امید به بهروزی و امنیت در دل نسل‌های مختلف تمامی جوامع انسانی، شکوفه‌های صلح و سلامتی به بار آورد. بنابراین، در حال حاضر مبارزه با تروریسم



که یکی از مهمترین تهدیدهای فراروی صلح جهانی است، جهان باید رهیافت و طرز تفکر خود را که مبتنی بر تحمیل و هژمونی بوده است، کنار بگذارد و رهیافتی عادلانه در پیش گیرد. این همان رهیافتی است که «ائتلاف جهانی علیه تروریسم برای صلح عادلانه» نام نهاده شده است. (عامری ۱۳۸۹: ۸)

نتیجه گیری

پرداختن به صلح عادلانه و جستجوی راه‌های دستیابی به آن، یکی از اصلیتین دلمشغولی‌های بشر در طول تاریخ بوده و هست، چرا که سایه جنگ اغلب بر حیات بشر احساس شده و البته هنوز هم همین سایه و دلمشغولی به قوت خود بلکه بیش از پیش وجود دارد و احساس می‌شود. با این حال، از یک منظر، با در نظر گرفتن فطرت و طبع بشر و همچنین مقایسه زمانی درگیری‌ها با شرایط صلح در طول تاریخ، اصالت با صلح است و پدیدارهای مغایر آن، امری غیرذاتی و عرضی تلقی می‌شوند که هر چند در برخی مقاطع بر حیات اجتماعی بشر سایه افکنده، اما این سایه با اهتمام و تلاش بشر قابل رفع خواهد بود.

جامعه جهانی در شرایطی قرن بیست و یکم را سپری می‌کند که هنوز با چالش‌های جدی در زمینه دستیابی به صلح و عدالت روبروست. صلح در معنای جدید خود حالتی که در آن همزیستی مسالمت‌آمیز و شرافتمندانه وجود دارد و جزء ارزشمندترین و اصولی‌ترین نیازهای بشری است که در آن زندگی اجتماعی در توازن وجود دارد. امروزه همزیستی مسالمت‌آمیز یک حق و یک تکلیف است و ترویج فرهنگ جهانی عدم خشونت، صلح و عدالت اولویت دارد.

تحقق صلح و عدالت فراگیر و پایدار، متوقف بر یکسری شرایط اساسی است که این شرایط اگر محقق شود، این نتیجه مطلوب را به دنبال خواهد داشت، و در غیر



این صورت، به تناسب ضعف و یا نبود آن شرایط، نتیجه آن نیز که صلح و عدالت است، کمرنگ و یا متزلزل خواهد بود. به تعبیری می‌توان این شرایط و شاخصه‌ها را به قطعه‌های یک پازل تشبیه نمود که تصویر زیبای صلح و عدالت وقتی در جهان متصور خواهد بود که هر یک از این شاخصه‌ها آنگونه که باید به آن پرداخته شده و تحقق یافته باشند، اما هر چه این شاخصه‌ها کم‌رنگ‌تر باشند، آن هدف که عبارت است از انعکاس تصویر زیبای صلح و امنیت، مبهم‌تر و متزلزل‌تر خواهد بود.

با توجه به مشکلات و چالش‌های فراروی صلح عادلانه، راهکاری‌های مطروحه، شامل نقش سازمان‌های بین‌المللی، صلح عادلانه جهانی در سایه همکاری، صلح عادلانه جهانی در سایه برقراری عدالت، دیپلماسی مبتنی بر صلح عادلانه، ایجاد فرهنگ صلح عادلانه، ایجاد مراکز مطالعات صلح عادلانه در دانشگاه‌ها، تضمین بهره‌مندی برابر و عادلانه همه گروه‌های مختلف قومی، زبانی، نژادی و غیره از حقوق، مبارزه با افراط‌گرایی و مبارزه با تروریسم و خشونت‌گرایی می‌تواند کلیدهایی برای پایان دادن به جنگ و نزاع و رسیدن به صلح و عدالت دائمی در جهان باشند.



منابع

- ۱- آشوری، داریوش (۱۳۸۱)، فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی، دانشنامه سیاسی، تهران، نشر مروارید.
- ۲- آریا، سلطان احمد (۱۳۹۵)، راه‌های دستیابی به صلح در افغانستان، کنفراس علمی (صلح، نیاز امروز، راهکار فردا)، توسط موسسه تحصیلات عالی کهکشان شرق و موسسه واسا، ۲۳ ثور ۱۳۹۵.
- ۳- ابراهیمی، شهروز، ستوده، علی‌اصغر، شیخون، احسان (۱۳۸۹)، رویکرد اسلامی به روابط بین‌الملل در مقایسه با رویکردهای رئالیستی و لیبرالیستی، دانش سیاسی، دوره ۶، شماره ۲ (پیاپی ۱۲)، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
- ۴- امینی‌نیا، عاطفه (۱۳۸۹)، حق بر صلح و عملکرد سازمان ملل متحد، مجمع جهانی صلح، (دپارتمان دانشگاهی).
- ۵- انیس، ابراهیم، منتصر، عبدالعظیم، الصوالحي، عطیه، محمدخلف، احمد (۱۳۸۹)، المعجم الوسيط، ترجمه محمد بندر ریگی، جلد ۱، انتشارات اندیشه اسلامی.
- ۶- برزنونی، محمدعلی (۱۳۸۴)، اسلام، اصالت جنگ یا اصالت صلح؟، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره ۳۳.
- ۷- بشیریه، حسین (۱۳۸۲)، آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری و تاسیسی)، تهران، نگاه معاصر.
- ۸- بهشتی، عبدالقاهر (۲۰۱۹)، پروسه صلح افغانستان، چالش‌ها و راهکارها، روزنامه صبح کابل، ۱۴ دسامبر ۲۰۱۹.



- ۹- بیگزاده، ابراهیم (۱۳۸۹)، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، تهران، انتشارات مجد.
- ۱۰- جوادی ارجمند، محمدجعفر، حقگو، جواد (۱۳۹۰)، عدالت جهانی در اندیشه امام خمینی (ره) و نظریه انتقادی روابط بین‌الملل، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۴، پاییز ۱۳۹۰.
- ۱۱- خامنه‌ای، سید محمد (۱۳۸۴)، صلح جهانی زیر سایه عدالت جهانی، کتاب نقد ۱۳۸۱، شماره ۲۴ و ۲۵، تیر ۱۳۸۴، قابل دسترس در سایت خبرگزاری مهر به آدرس: mehrnews.com/x3MJx.
- ۱۲- خبرگزاری ایرنا (۱۳۹۹)، رعایت حقوق بشر تنها راه برون‌رفت از چالش‌های موجود جهان، ۳ آبان ۱۳۹۹، قابل دسترس در سایت خبرگزاری ایرنا به آدرس: www.irna.ir/news/۸۴۰۸۷۳۱۷.
- ۱۳- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، جلد ۹، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۴- راهی، سعیدمراد (۱۳۸۹)، اصول و فنون مذاکره، کابل، مطبوعه بهیر.
- ۱۵- رسولی، نوید (۱۳۹۴)، نقش سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در ترویج صلح، ۱۶ آذر ۱۳۹۴، قابل دسترس در سایت خبرگزاری مهر به آدرس: mehrnews.com/xxstH.
- ۱۶- سالار، محمد (۱۳۹۸)، بهره‌برداری ابزاری غرب از مقوله صلح، ۲۶ شهریور ۱۳۹۸، قابل دسترس در سایت سیاست روز به آدرس: <http://siasatrooz.ir/vdcdsz۰fsyt۰fj۶,۲a۲y.html>.
- ۱۷- ساعی، ناصر (۱۳۹۳)، صلح جهانی، از نظریه تا عمل، ۳۰ شهریور ۱۳۹۳، قابل دسترس در سایت خبرگزاری فارس به آدرس: <http://fna.ir/d۸a>.
- ۱۸- سامانی، احسان (۱۳۹۷)، شاخصه‌های حکومت مهدوی زمینه‌ساز صلح و امنیت جهانی، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های اعتقادی- کلامی، سال هشتم، شماره ۳۱، پاییز ۱۳۹۷.



۱۹- سجادی، سید لطیف (۱۳۹۹)، آبراه‌هایی که جویبارهای خون را به اقیانوس صلح سوق می‌دهد، ۶ عقرب ۱۳۹۹، قابل دسترس در سایت خبرگزاری افغانستان ما به آدرس: <https://b2n.ir/592126>.

۲۰- شوهانی، احمد، مایلی، فائزه (۱۳۹۷)، ملاحظات اخلاقی درباره مفاهیم عدالت و آزادی در منشور حقوق بشر از دیدگاه مکاتب رئالیسم و لیبرالیسم، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال ۱۳، شماره (۴)، تابستان ۱۳۹۷.

۲۱- صادقی، زهرا (۱۳۸۸)، تبیین دو مفهوم صلح و عدالت و جایگاه آن در سیاست خارجی دولت نهم، فصلنامه راهبرد یاس، شماره ۱۷، بهار ۱۳۸۸.

۲۲- صیقلانی، ابراهیم، احمدی، محمد، مرادی، مریم (۱۳۹۷)، رویکرد جامعه بین‌المللی در ایجاد صلح و همکاری پایدار جهانی، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷.

۲۳- ضیائی، محسن (۱۳۹۷)، نقش و عملکرد سازمان‌های بین‌المللی در تأمین صلح جهانی، ماهنامه پژوهش ملل، دوره ۳، شماره ۳۰، خرداد ۱۳۹۷.

۲۴- عامری، داوود (۱۳۸۹)، حق بر مطالبه صلح عادلانه، در حق بر صلح عادلانه، به اهتمام نادر ساعد، تهران، انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی.

۲۵- عباسی، محمود (۱۳۹۷)، صلح عادلانه، عدالت مصلحانه، ۵ مهر ۱۳۹۷، قابل دسترس در سایت خبرگزاری صدا و سیما به آدرس: <https://www.iribnews.ir/009089>.

۲۶- عسگری، پویا، خسروی، یلدا (۱۳۹۵)، ضرورت و بایسته‌های مطالعات صلح از دیدگاه حقوق بین‌الملل، فصلنامه پژوهش روابط بین‌الملل، دوره اول، شماره بیست و دوم، زمستان ۱۳۹۵.

۲۷- عمید، حسن (۱۳۹۳)، فرهنگ فارسی عمید، جلد ۲، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر.



۲۸- کوشا، جعفر، نَمامیان، پیمان (۱۳۸۷)، جایگاه اعمال تروریستی در پرتو حقوق بین‌الملل کیفری، فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، شماره ۳.

۲۹- مجمع جهانی صلح (۱۳۹۷)، چالش‌های اساسی فراروی صلح جهانی، ۲ دی ۱۳۹۷، قابل دسترس در سایت مجمع جهانی صلح به آدرس: <https://www.iwpeace.com/articles>.

۳۰- محمدی دروازیان، جواد (۱۳۹۸)، مولفه‌های اساسی تحقق صلح، روزنامه مدنیت، ۲۵ حمل ۱۳۹۸.

۳۱- مزینانی، محمدصادق (۱۳۹۹)، راهکارهای دستیابی به عدالت اجتماعی، مجله حوزه، شماره ۹۹، شهریور ۱۳۹۹.

۳۲- معین، محمد (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، جلد ۲، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۳۳- مقتدر، هوشنگ (۱۳۸۴)، حقوق بین‌المللی عمومی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

۳۴- نعمت‌اللهی، همایون (۱۳۷۹)، واژه‌نامه سیاسی ویژه نوجوانان و جوانان، تهران، انتشارات عباسی.

۳۵- نوع‌پرست، زهرا (۱۳۸۸)، دموکراسی، عدالت و صلح، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۹، زمستان ۱۳۸۸.